

**MARVEL**

**4**

PETER DAVID  
GREG LAND  
JAY LEISTEN  
FRANK D'ARMATA

# SPIDER-MAN



LAND 19d

★★★★★  
FINAL

# دیلی باگل

برترین روزنامه نیویورک

SINCE 1897

★★★★★

\$.25 (in NYC)

\$.75 (outside city)

کانگ فاتح بازگشته و انتقام جویان در حال ساختن پایگاه هایدر و جدیدی هستند!  
وکیل مشهور مت مرداک از زندان آزاد شد!

در این شماره

## حمله اسپایدرمن به پرادوی

اسپایدرمن یکبار دیگر با مجرمی بنام همکاری مجرمانه کرده. این بار شریک جرم او الکترو بود و طی آن یکی از نمایش های پرادوی به هم خورد! الکترو دستگیر شده ولی اسپایدرمن هنوز آزاد است.



آیا بلک کت به اسپایدرمن خیانت کرده است؟

میستریو تهدید کرده است که ارتباط مخفیانه بلک کت و کینگ پین را فاش خواهد کرد. برای جلوگیری از این مسئله او بخشی از لباس سیاه جدید اسپایدرمن را دزدید! این اطلاعات از کجا به دست ما می رسد؟ باگل هرگز منابع خود را لو نمی دهد!

PETER DAVID **WRITER** | GREG LAND **PENCILER**

JAY LEISTEN **INKER** | FRANK D'ARMATA **COLORIST**

VC's JOE SABINO **LETTERER** | GREG LAND & FRANK D'ARMATA **COVER ARTISTS**

RON LIM & ISRAEL SILVA; ALEX SAVIUK & CHRIS SOTOMAYOR **VARIANT COVER ARTISTS**

DANNY KHAZEM **ASSISTANT EDITOR** | DEVIN LEWIS **EDITOR** | NICK LOWE **EXECUTIVE EDITOR**

C.B. CEBULSKI **EDITOR IN CHIEF** | JOE QUESADA **CHIEF CREATIVE OFFICER** | DAN BUCKLEY **PRESIDENT** | ALAN FINE **EXEC. PRODUCER**

SPIDER-MAN CREATED BY STAN LEE & STEVE DITKO



نمونه ای از اون لباس رو داری؟



ولی می تونم همه چیزو کنسل کنم. انتخاب با شماست.

اون نمونه رو بده به من. وگرنه اسپایدرمن از رابطه تو با کینگ پین مطلع می شه.

می دونی که دارم. فایل ها کجا هستند؟

نمونه رو بده به من.

فایل ها رو بده.

نگفتم اونها رو به تو می دم. فقط گفتم به اسپایدرمن نمی دمشون.



ما اینیم دیگه.

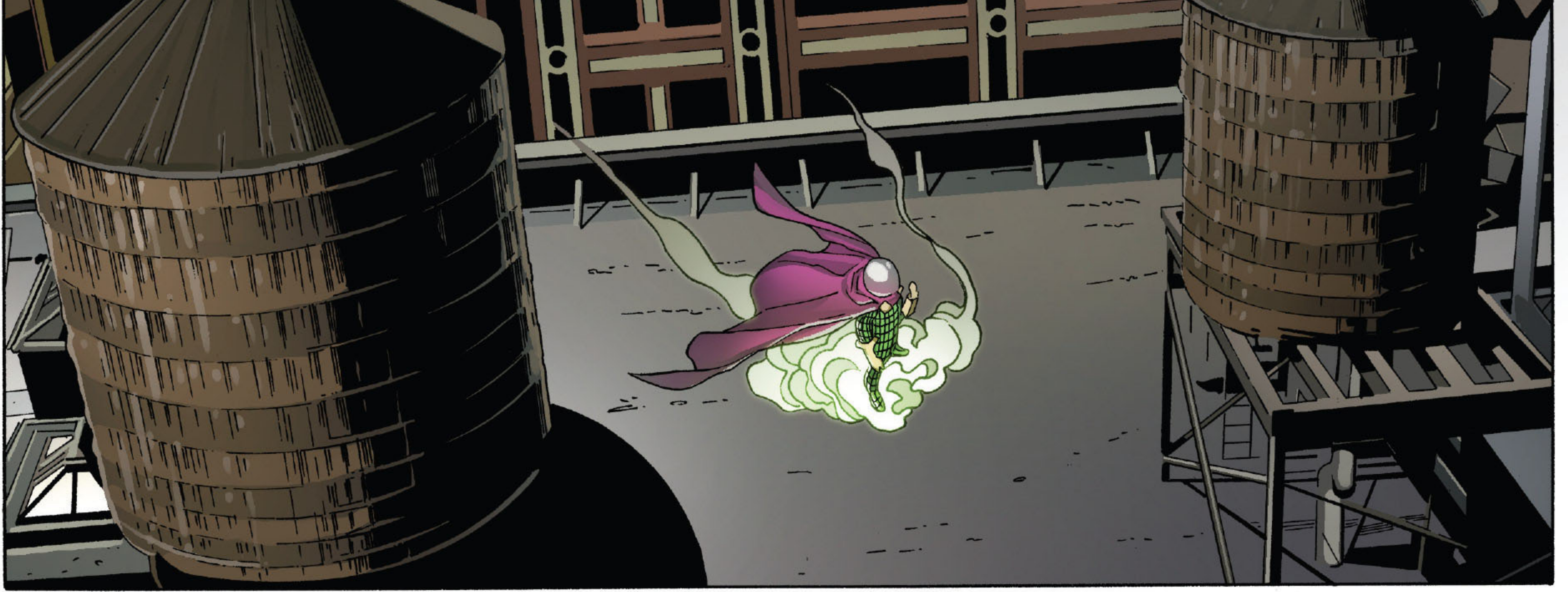
انگار باید بدم.

تو انگلیس به معنی شانس خوبه.

پس برو لندن.

بهتره سر راه این کربه سیاه سبز نشی میسر یو.





هاه.

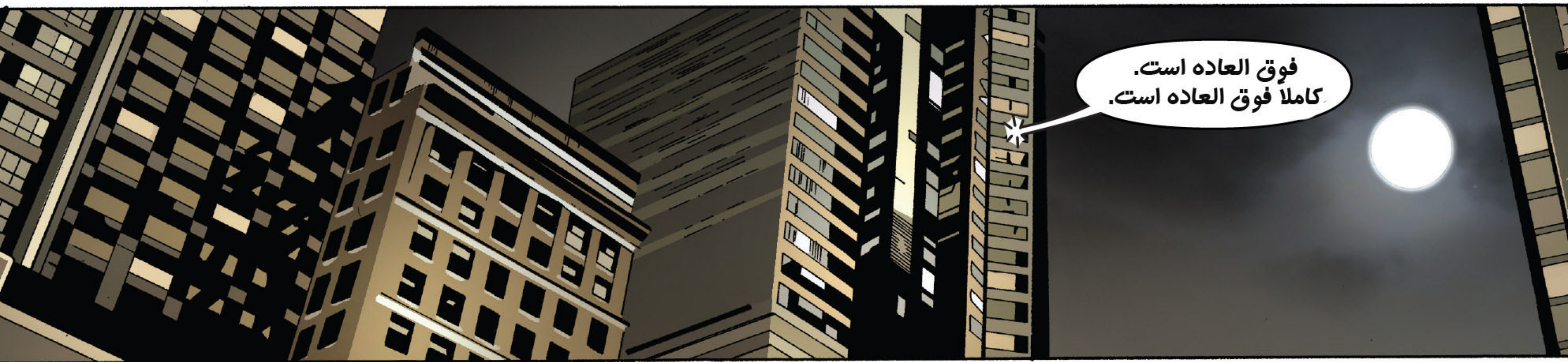


حالا نوبت اینه  
که صحنه رو ترک کنم  
و اینو به جاناتان او هن در  
مرکز فرماندهی کینگک پین  
برسونم.

اسرار این لباس  
هر چی هست...



...از این به بعد  
دیگه جزء اسرار  
نخواهد بود.

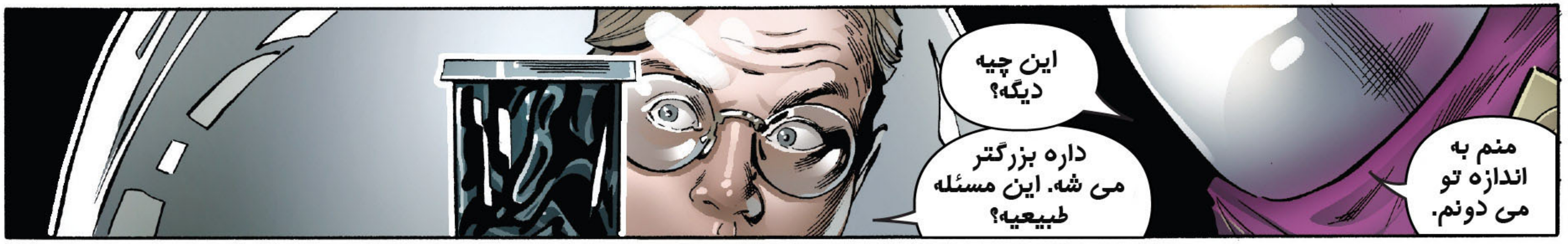


فوق العاده است.  
كاملا فوق العاده است.



مطمئنی  
می تونه از اون  
نگهداری کنه؟

اون محفظه  
نشکنه. بهت اطمینان  
می دم...



این چیه  
دیگه؟  
داره بزرگتر  
می شه. این مسئله  
طبیعیه؟

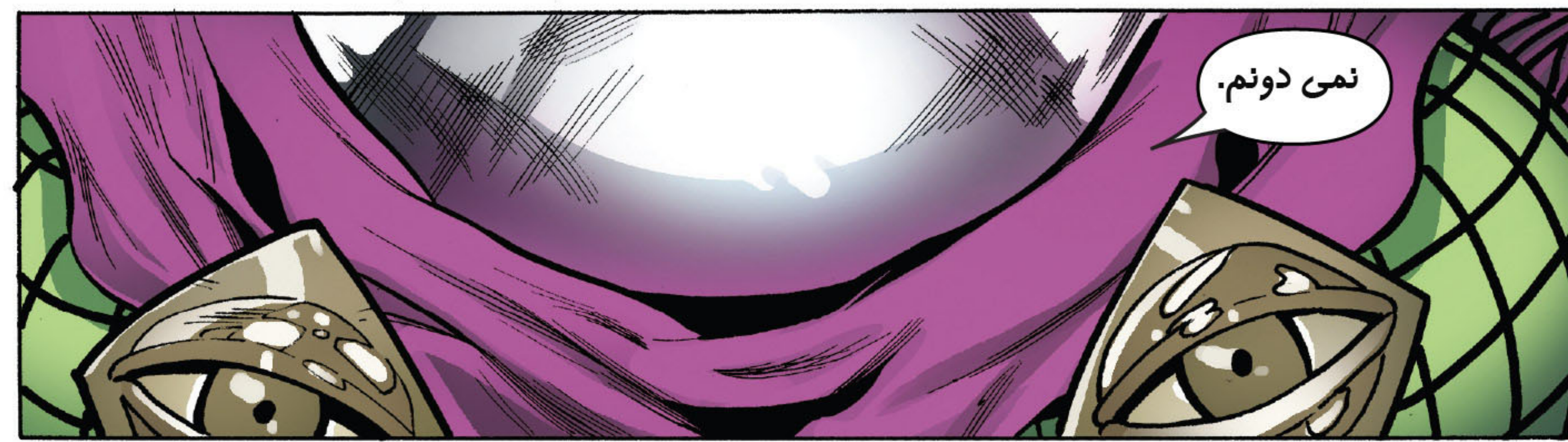
منم به  
اندازه تو  
می دونم.



این چیزها  
تخیل من نیستند  
درسته؟ اون چیز داره  
بزرگتر می شه.

جالبه.

خیلی ترسناکه.  
این چیه کونتین؟



نمی دونم.



اوهن!

بله آقای  
فیسک؟



یه گزارش  
کامل از تحقیقات  
می خوام.

می خوام مطمئن  
باشم پولم رو دور  
نریختم.

الان خدمت  
می رسم قربان.



پنج دقیقه  
دیگه برمی گردم.

عجله نکن.  
کارفرماتو ناراحت  
کنیم.

اوه، ها  
ها... ها



می تونی  
حضور منو حس  
کنی درسته؟

تو چی  
هستی؟ یه  
موجود مصنوعی  
یا شاید  
ارگانیک؟

؟ه!

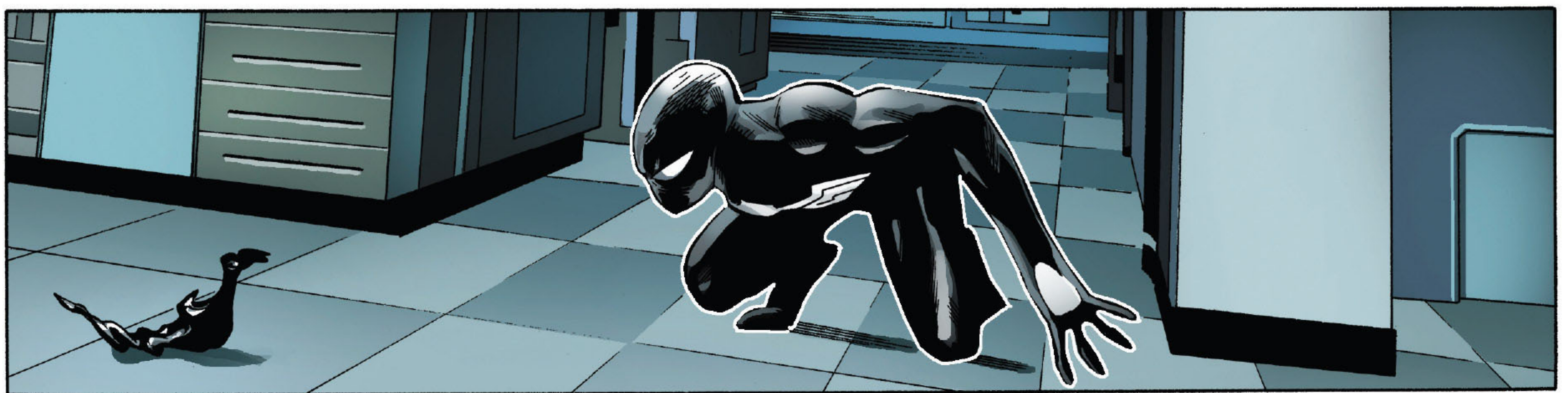




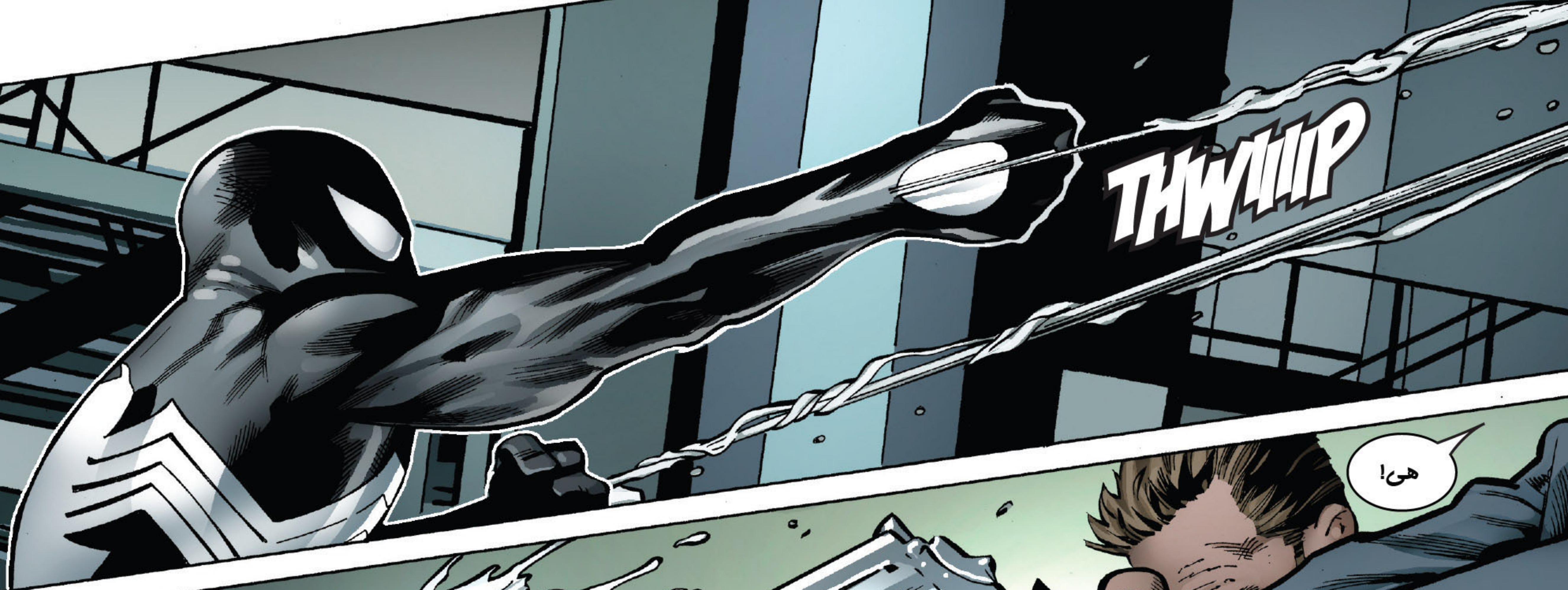
**KPOW!**

**THUD**

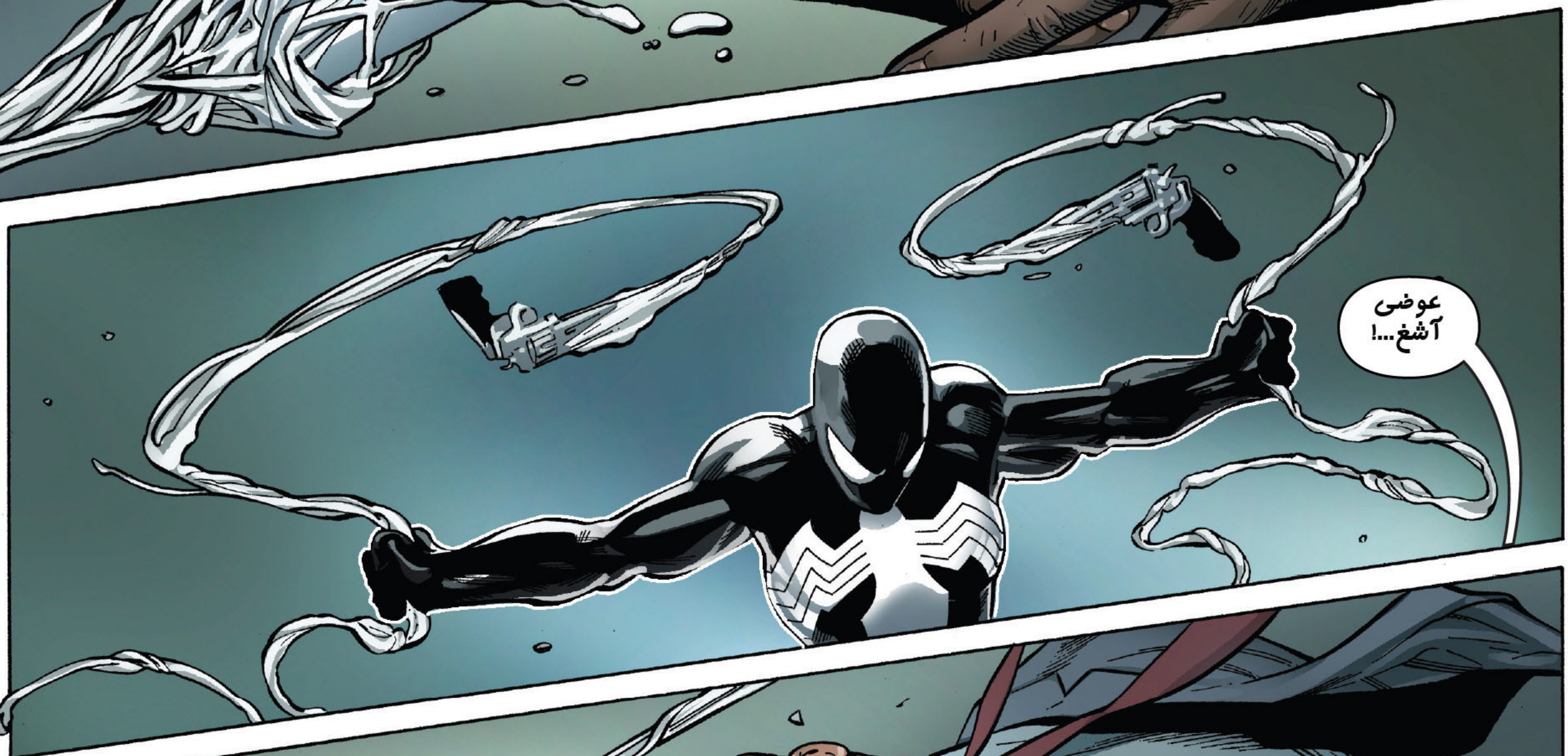
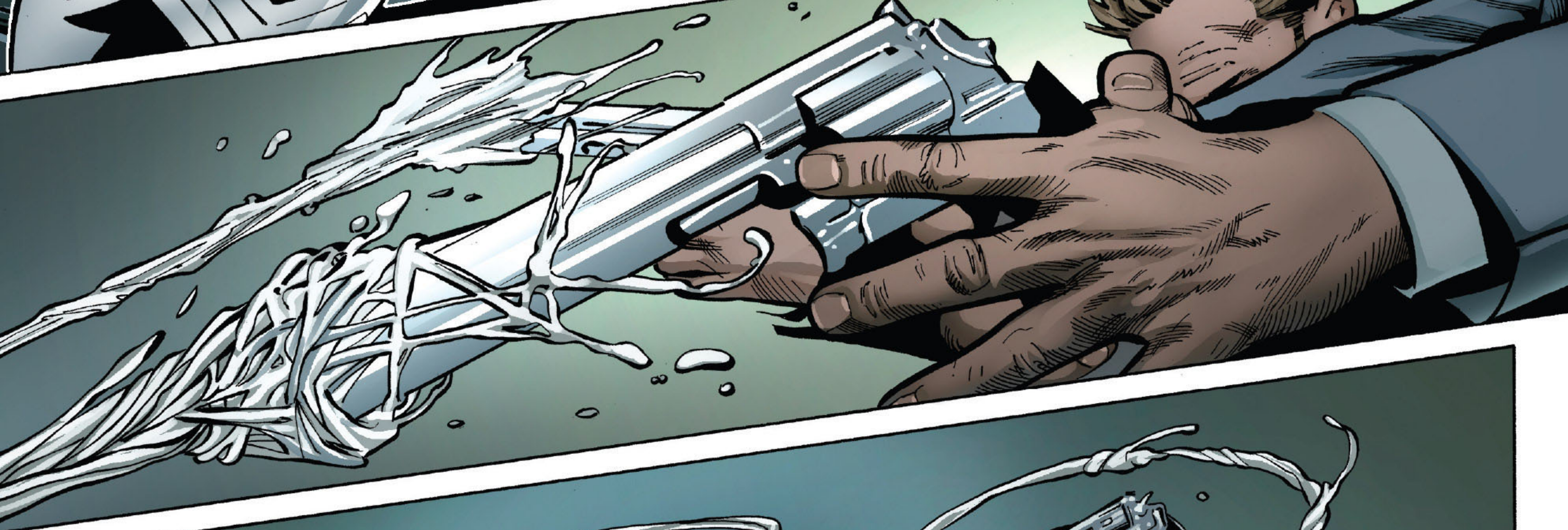
این چی بود دیگه؟



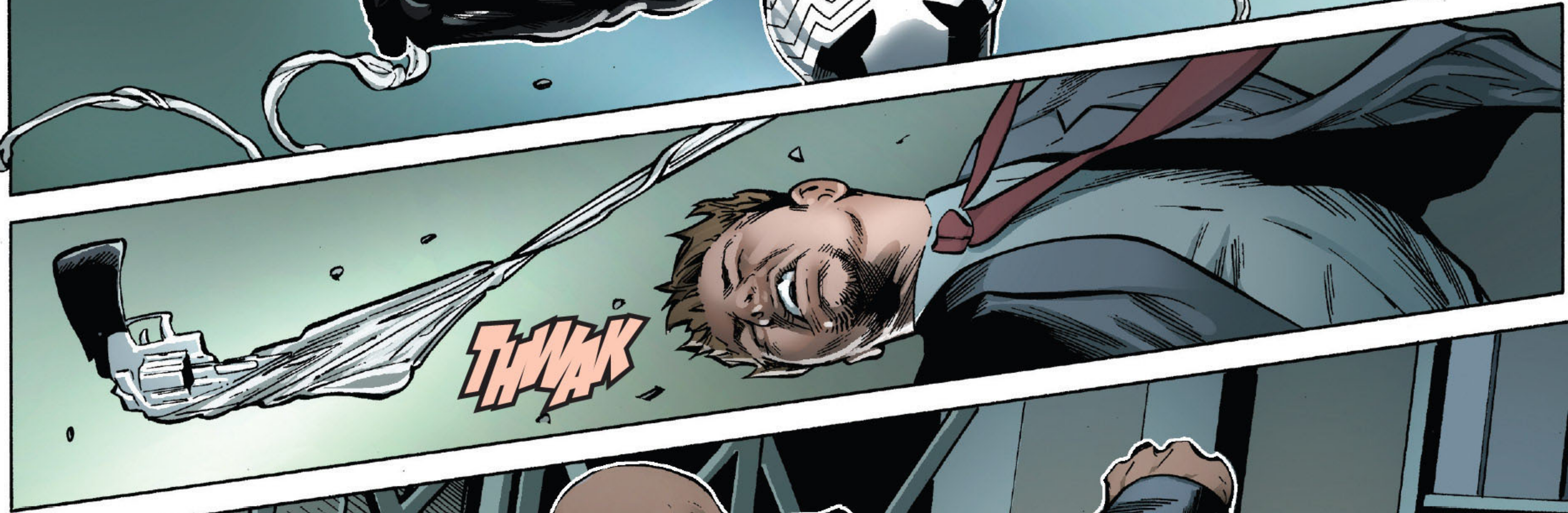




هی!

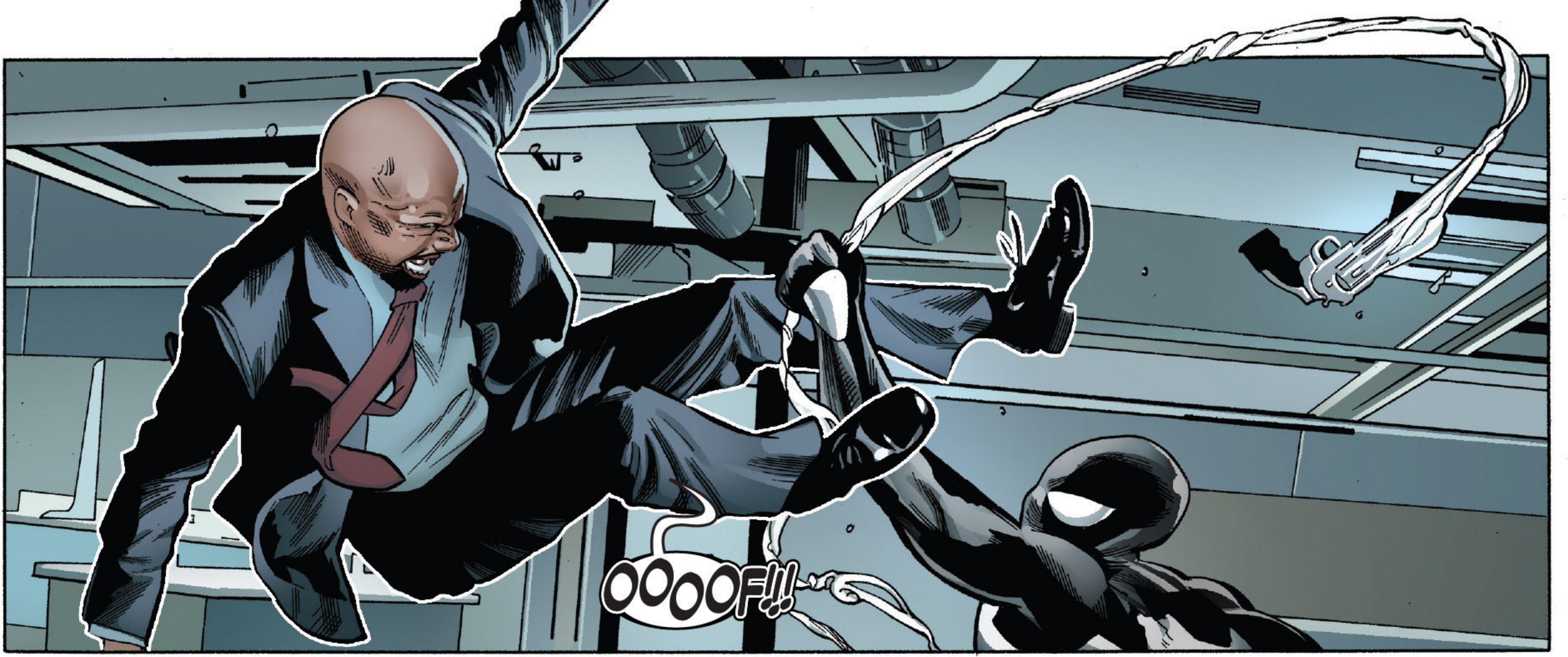


عوضی  
آشغ...!



پس می خواهی  
فیزیکی درگیر بشی  
مرد ماسکی؟

باشه! پایه ام!







گلولو گگے..  
کاففف.

پاشو.  
پاشو.



اسپایدر من دو  
تا از آدمهای منو  
فرستاده بیمارستان.  
باید انتقام بگیرم.

متأسفانه اون  
رفته. ولی تو که  
اینجایی.

نمی دونم راجع  
به چی حرف  
می زنید.

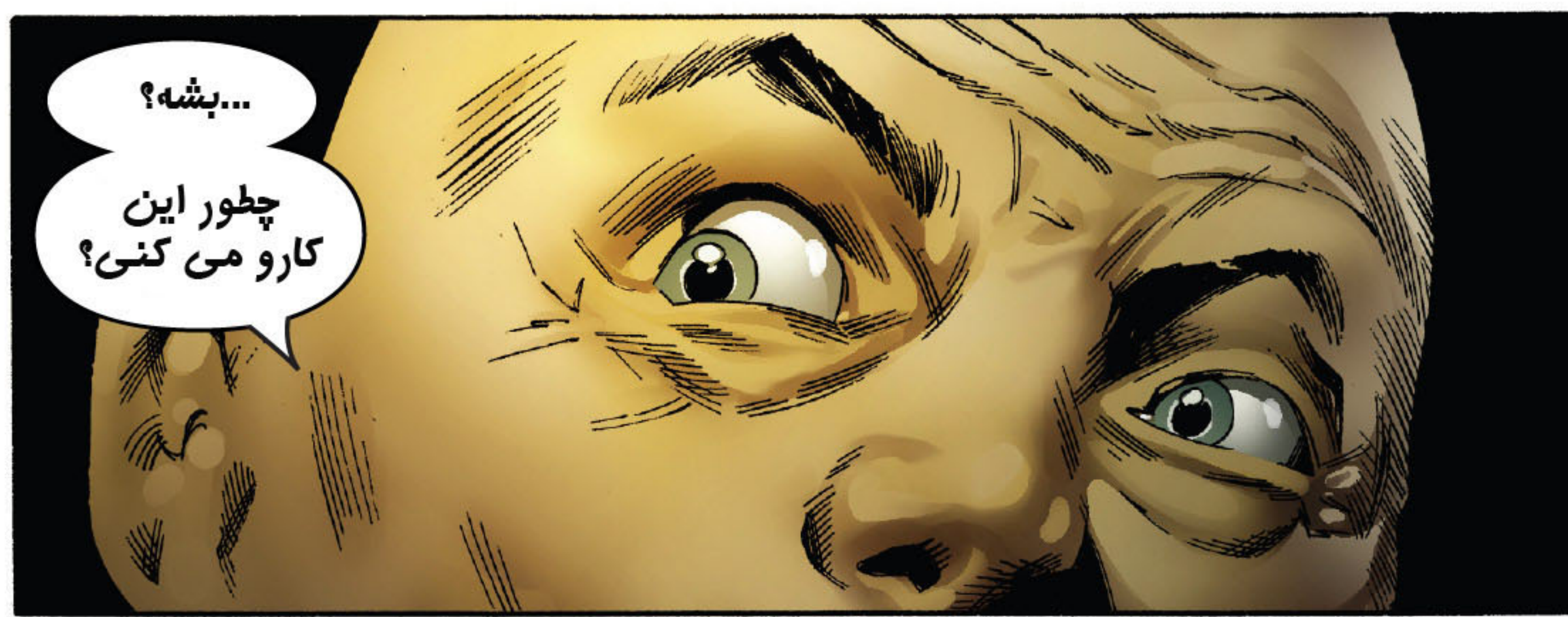


من با  
نادانی میونه  
خوبی ندارم.

اوووووفف!



بگو چرا اومدی  
اینجا بگه؟ شاید یه  
کم بهت تخفیف بدم  
و فقط چند تا از استخوانهات  
شکسته...



...بشه؟  
چطور این  
کارو می کنی؟



چی رو...؟

یا...!



ازم دورش کنید!  
ازم دورش کنید!



یه کاری بکنید!!!



دقیقاً چطوری؟

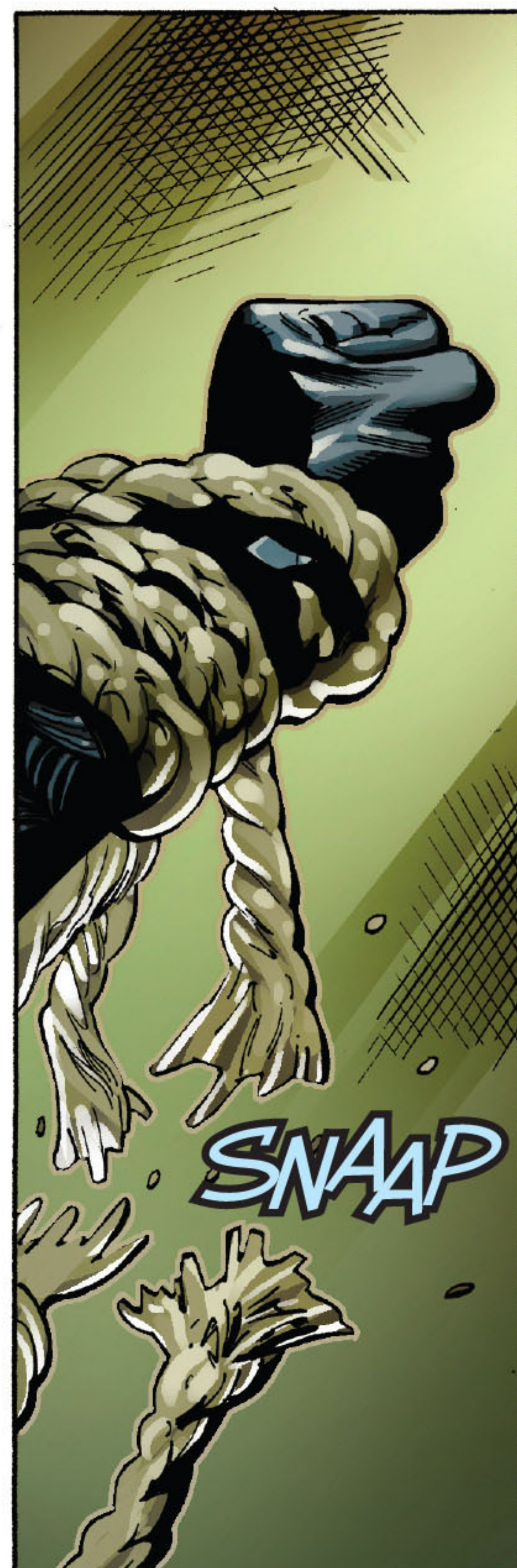
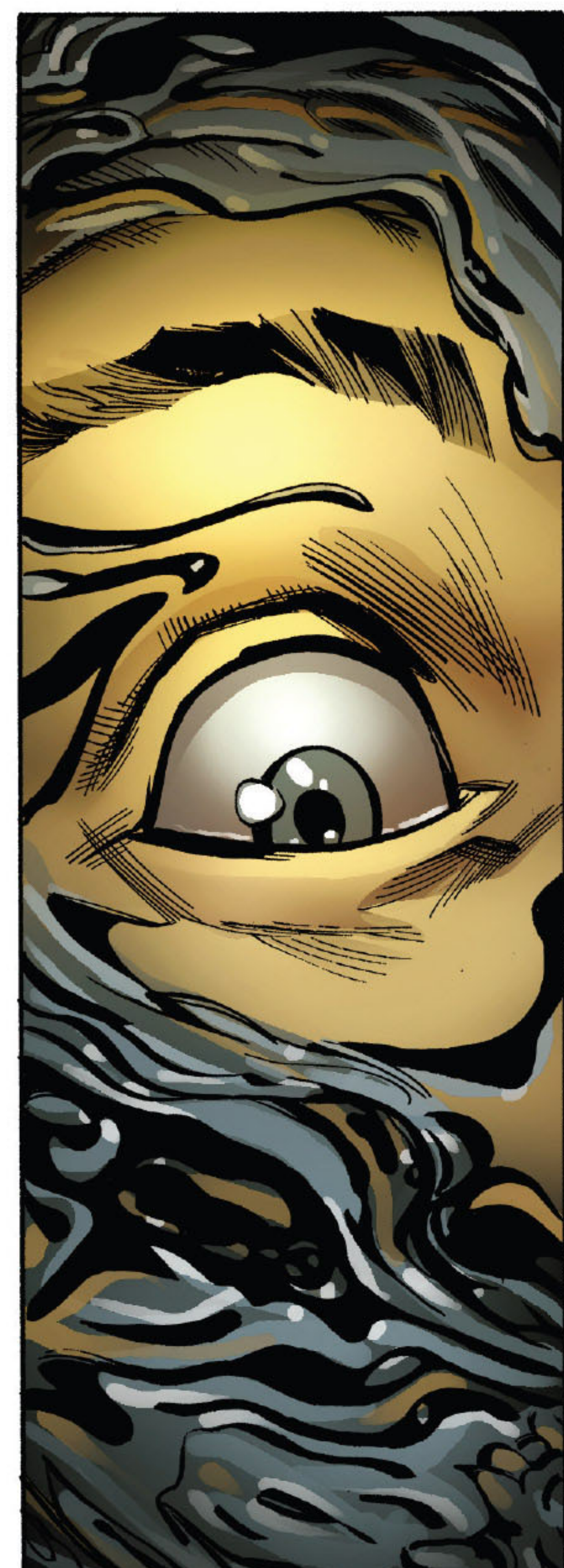
او هن، یه پیشنهاد بده.



چیزی ندارم.



نه!  
نه!!!



SNAP



می تونم همین الان غیب بشم...



...ولی  
الان دیکه مسئله  
تخفیف در میون  
نیست. درسته؟



بشین  
سر جات!

دست های  
محکمی داری!  
عالیه.



می دونستی  
کینگ پین، پین  
مرکزی در قفسه  
توپ بولینگه؟

این اسمو  
بهش دادن چون  
باید اونو بزنی تا بقیه  
توپ ها آزاد بشن و  
بریزند.

ولی مطمئنم  
زیاد بولینگ بازی  
نمی کنی.



یه جورایی  
اینجوری.



بدرود ویلسون.  
یه حشره هست  
که باید لهش کنم.

سلام منو به  
همسر عزیزت  
برسون.

و دعا  
کن که برنگردم.



اگه برگردم  
اصلاً برات خوب  
نمی شه.



حالت خوبه  
رئیس؟

بله، البته!  
من خوبم!

چطور این  
کارو کرد؟ میستر یو  
سابقه اعمال قدرت  
زیاد نداشت!



بعضی وقت ها  
روی لباسش حقه های  
جدید پیاده می کنه.  
سلاح و اینجور چیزها.  
شاید تقویت کننده  
نصب کرده...

چرا قبلاً  
استخوان هاشو  
نمی شکوند؟

اون چیز  
سیاه... که دورش  
پیچید چی  
بود؟

من...  
نمی دونم...



بدون!

بله  
قربان.





چه روز باشکوهی. تو زندگی به اندازه کافی طلوع آفتاب ندیدم.

هرگز تا این حد قوی و متمرکز نبودم. هرگز فکر نمی کردم باشم که دیگه میستریو نیاشم.

من همینم که هستم. کسی که همیشه باید بهش تبدیل می شدم.

این شهر خیلی زنده و رسیده است که آدم دوست داره مال خود کنه.

ولی اول...



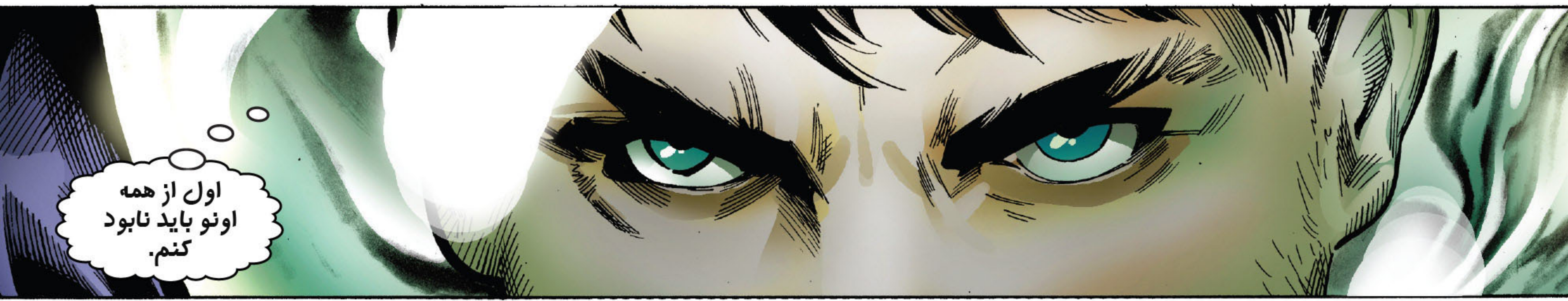
...باید بقیه این لباس استثنایی رو به دست بیارم.

اون بخشی که بلکه کت از اسپایدرمن دزدید با لباس خود من ترکیب شد و منو تا حدودی قوی تر کرد.

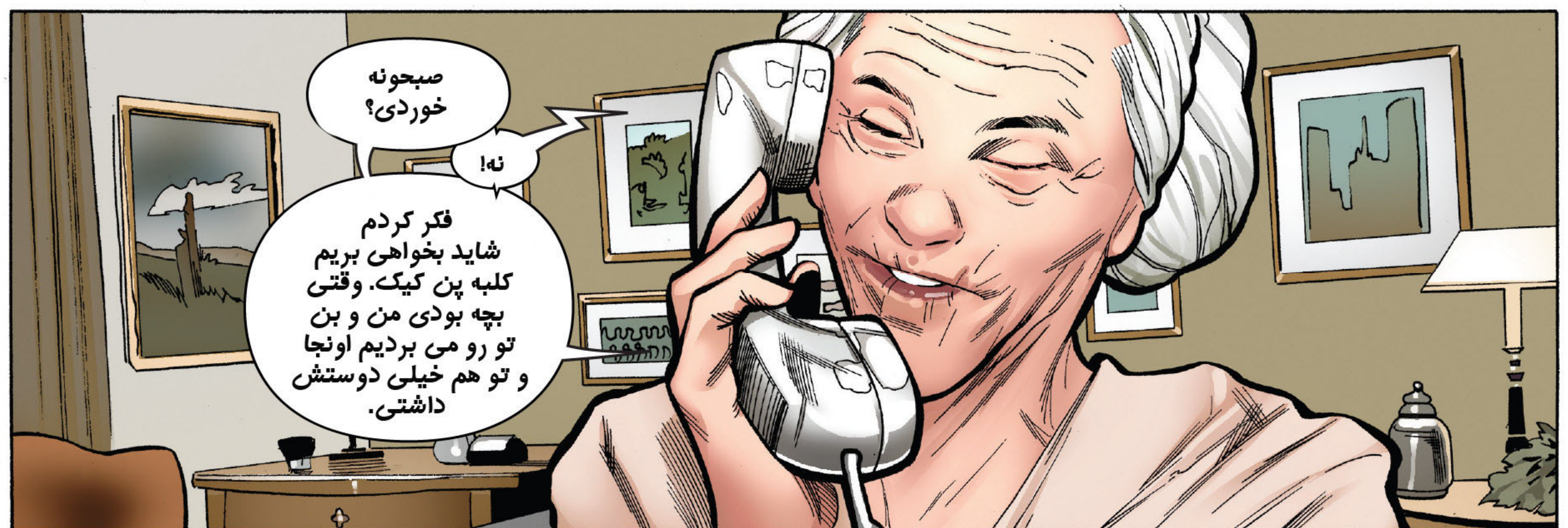
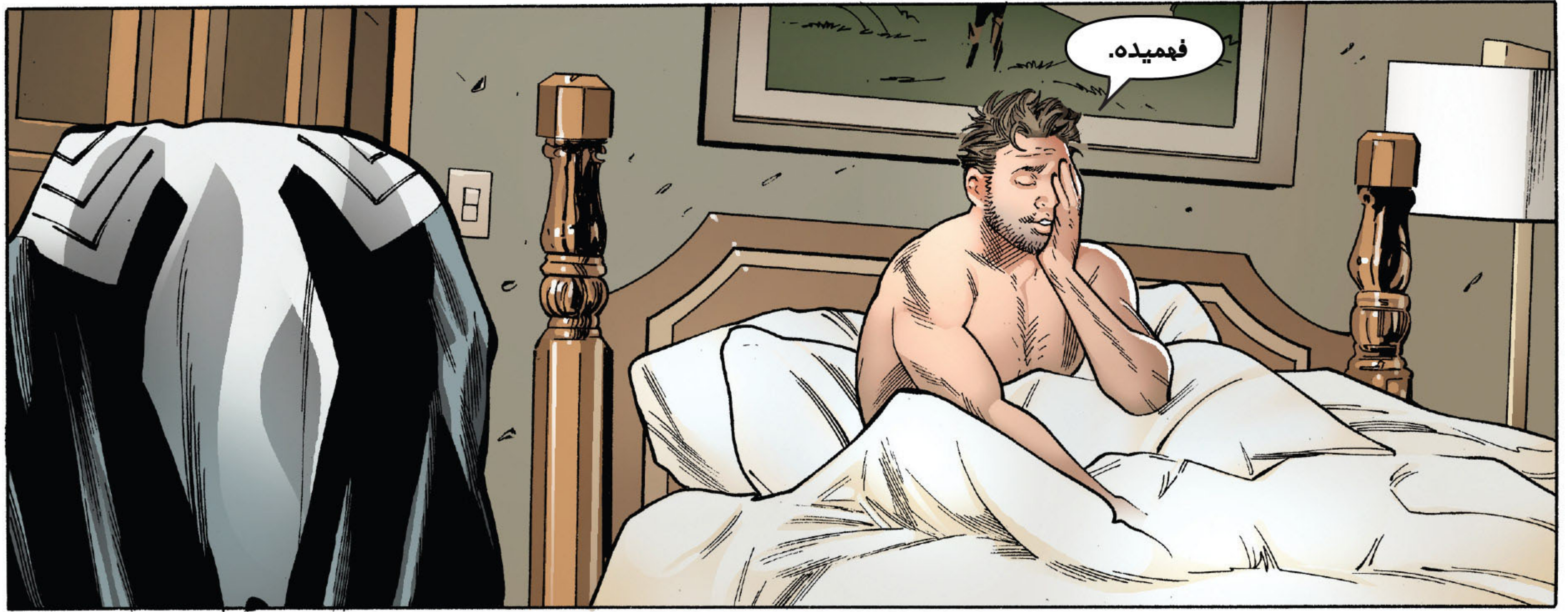
ولی یه کم قوی تر برای من کافی نیست. من همه اونو می خوام.



اسپایدرمن.



اول از همه اونو باید نابود کنم.





ولی... من فکر کردم شما نمی خواهید... یعنی...

خوب من یه مکالمه خوب با دوست دخترت فلیسیتی داشتم...

فلیسیا؟

باشه، خوب متأسفم.



اونم... با اعتماد زیادی در مورد تو حرف می زد.

همون جوری که بن چیزهای فوق العاده ای در مورد تو پیش بین می کرد.

اون خیلی دوستت داشت. می دونی که.



بله می دونم.



به هر حال، فکر کردم شاید بن از اینکه زیاد باهات حرف نمی زنی زیاد راضی نباشه.

پس اگه وقت داری...

البته که وقت دارم.



با قطار ساعت ۷ خودمو می رسونم.



هممم.

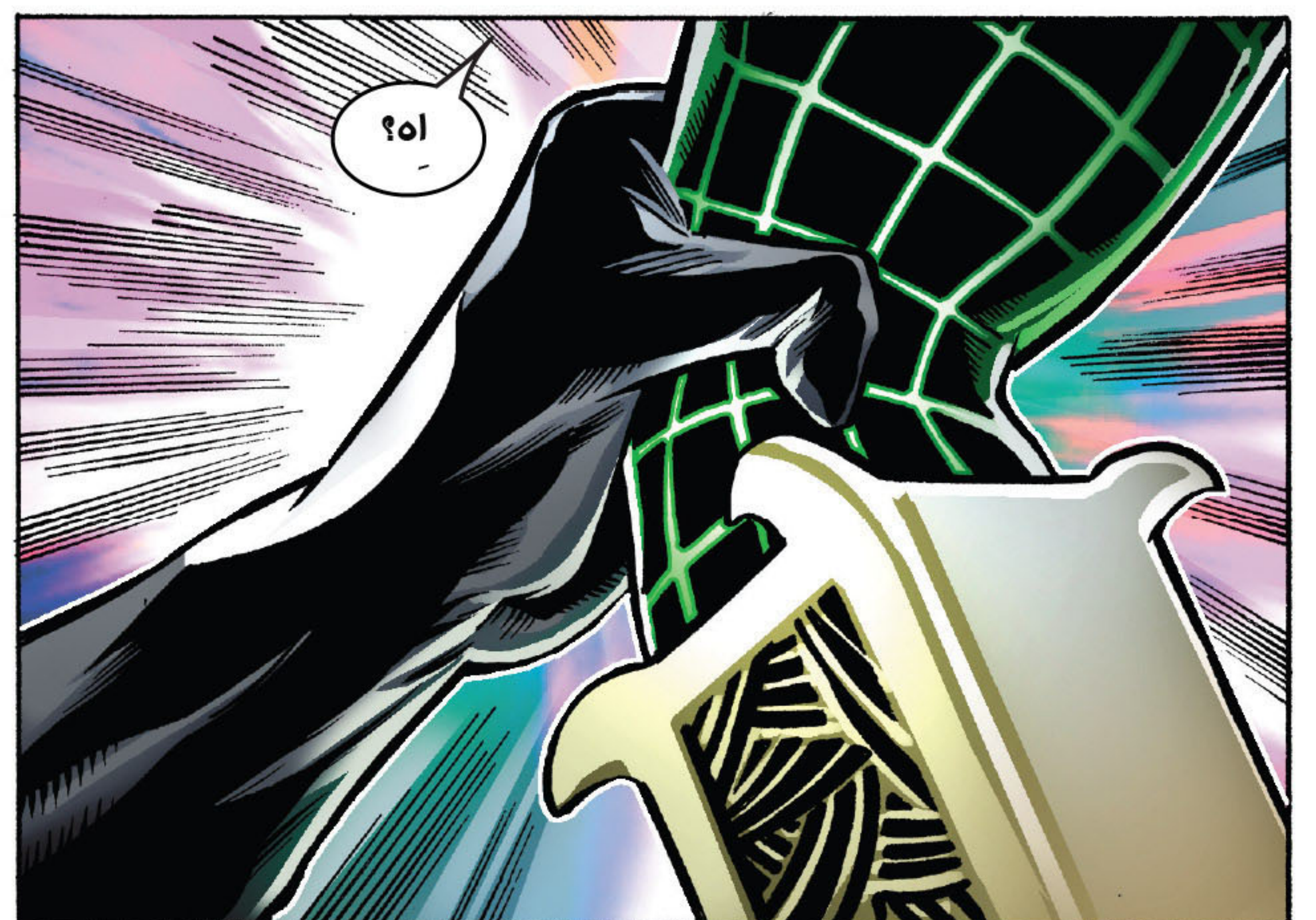
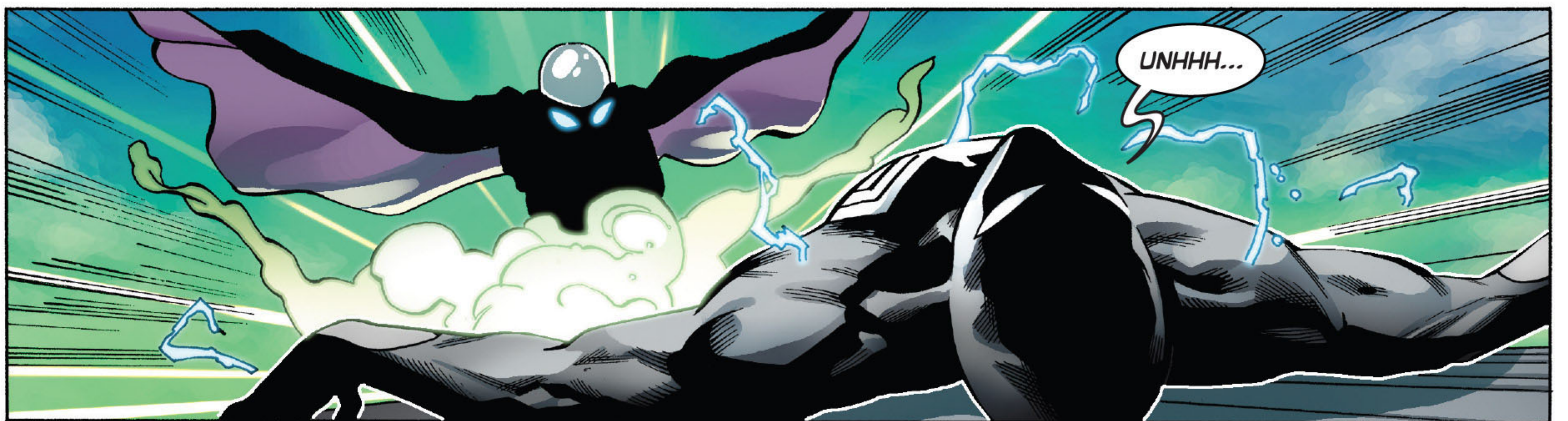
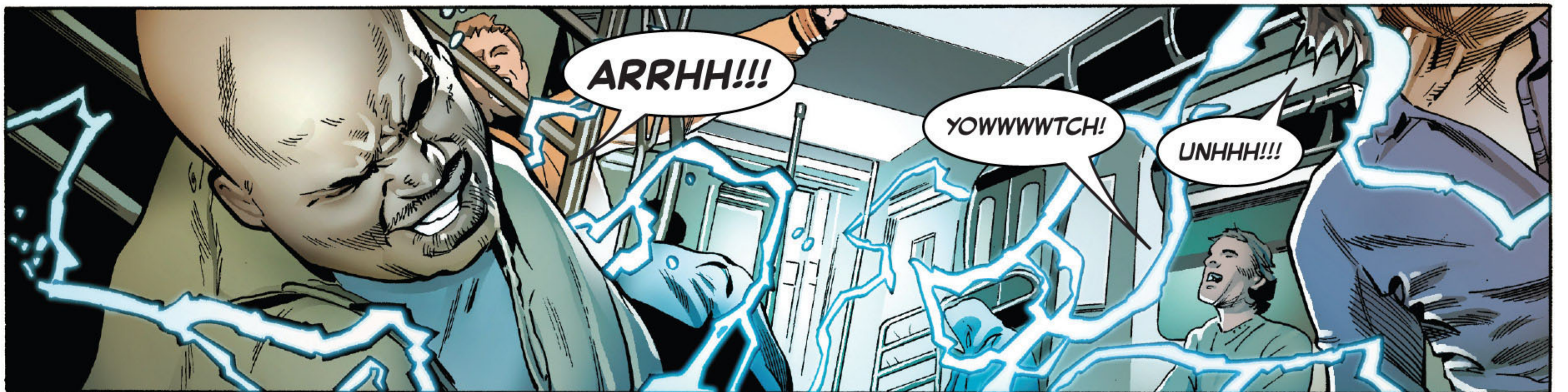
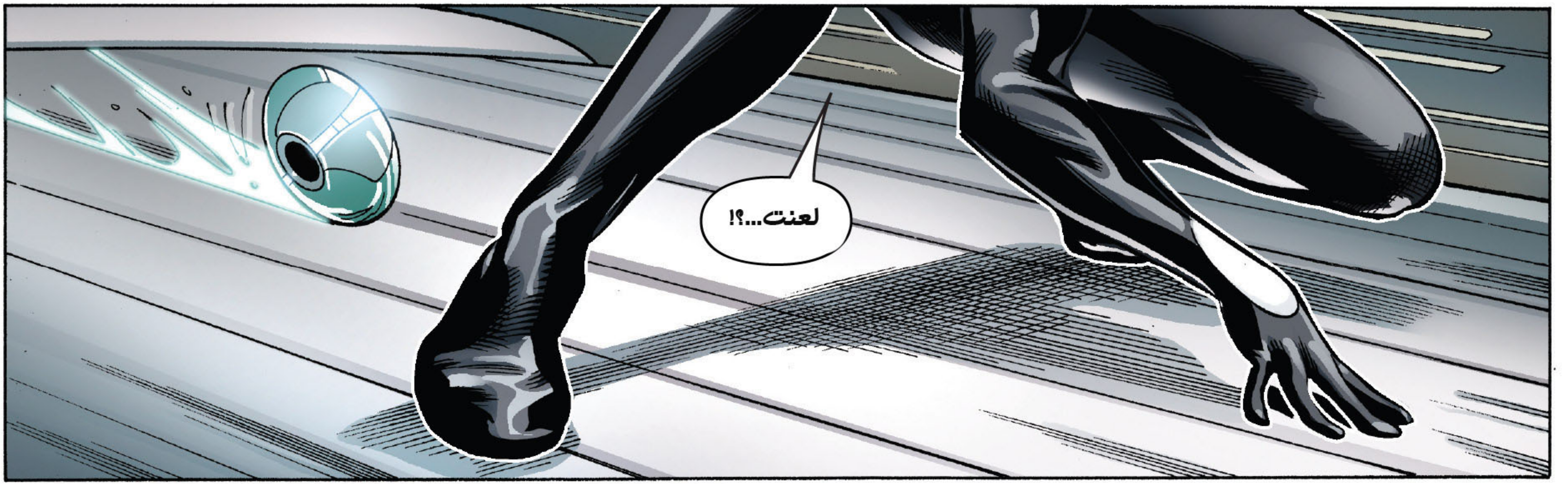


نمی دونم این وقت صبح کجا داره می ره.

فکر کنم به خودش ربط داشته باشه.

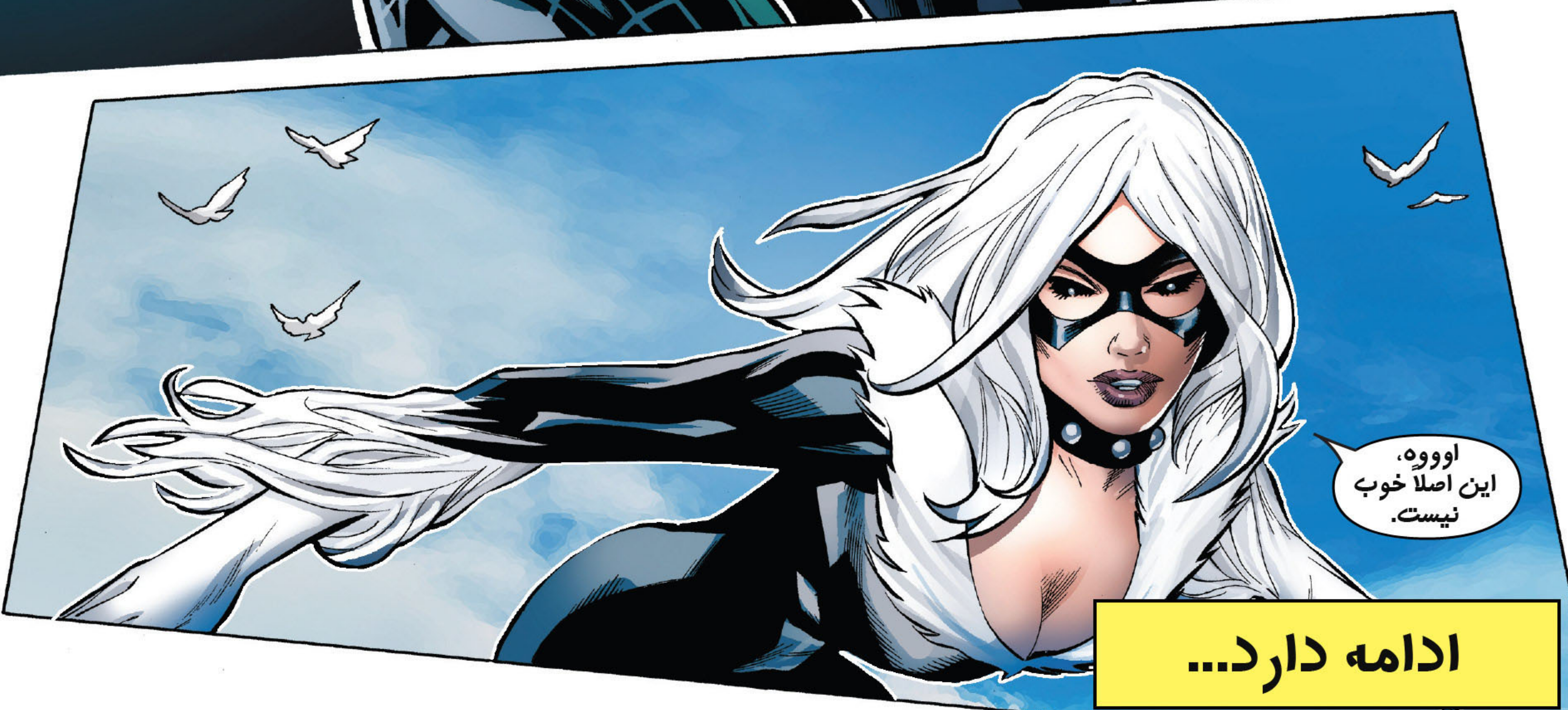
دلیلی ندارم، ولی می دونی باید تعقیبش کنم...







هاه!  
حالا می تونیم  
یه بازی توپی داشته  
باشیم!



اوووه،  
این اصلا خوب  
نیست.

ادامه دارد...